

یادی از چهره تابناک علم و فرهنگ

علامه حبیبی ص ۲

دخوشحال په شهرکي د اورنگ زيب څيره

مخ ۳

Ketabton.com

سال هشتم، دور چهارم، شماره پيهم هشتاد و هفتم

اول اگست ۲۰۰۹ ميلادی

عليه تروريزم، از امريکا باج ميگيرد

یادی از چهره تابناک علم و فرهنگ، علامه حبیبی

نار احمد صد



۱۲- تاریخ مختصر افغانستان (جلد های اول و دوم ۱۳۵۶ دری)

۱۳- افغانستان بعد از اسلام ۱۳۵۷ در تهران نیز چاپ شده است - دری

۱۴- مشاهیر اندالیان (دری)

۱۵- مورخان گننام افغان (دری)

۱۶- جنبش مشروطیت در افغانستان (اثر واپسین علامه حبیبی ۱۳۶۳ دری

علامه حبیبی که دانشمند کثیرالابعدی، یعنی ادیب، تاریخ نویس، شاعر، نویسنده، ژورنالیست، زبان شناس، متعارف جغرافیه باستانی و راد مردان نامی آن بود، همواره با فرهنگ کشور عشق سرشاری داشت. در اثر کاوشها، پژوهشها و زحمات فراوان

شماره‌های خود صدها نکته ناگفته، مبهم و تاریک را در تاریخ و فرهنگ کشور روشن نمود و کارنامه‌هایی درین بخش دانش از خود باقی گذاشت که نامش و یادش را در پاره‌ها، زنده و جاوید نگه خواهد داشت. پوهاند

حبیبی همیشه در سیمبیارهای علمی بسوی ملی و بین‌المللی اشتراک فعال و همواره در جنب محافلی افتخار صدرستی را بر عهده می‌داشت.

علامه حبیبی جسماً از جهان رفت لیک یاد و نام او ابداً در قلوب دانش پژوهان افغان و غیر افغان جاویدانه خواهد ماند، در عربی یک مقوله است که گوید: موت العالم موت العالم یعنی وفات یک دانشمند، وفات عالم است.

علامه حبیبی از پژوهندگان صاحب نظر و کاوشگران ژرفنگر و آموزگار بس صمیمی بود که برای دست یافتن به حقایق تاریخی و رمز فرهنگی با سبرومندی و فرزانیگی ایکه داشت همه گونه تلاش عالمانه را بکار می بست، از پیرو آثار تدوین کرده و تصحیح شد

این فریخته پرمایه در کلبه سیاد های علمی کشور، منطقه و جهان بحث مراجع با اعتبار و مستدل قبول شده و پژوهشگران حلقه های تحقیقی زبان، فرهنگ و تاریخ از این داشته ها سود می برند و مستفید می شوند.

علامه حبیبی در دوران زندگی علمی و فرهنگی اش تقریباً برای مدت شصت سال بیش از یکصد و سی و دو کتاب و رساله نشت و نیز متون قدیم پشو و دری را به شیوه های امروزی پژوهش تهیه، ترتیب و تحقیق نموده، در حدود هشتصد نشته کوتاه ولی خیلی ها پر ارزش را بسیادگار گذاشته که بگونه مقالات در نشریه های موقت کشور و منطقه منتشر شده است. البته آثار نشر نشده زیادی نیز از استاد باقی مانده است که دستویس ها و مسودات آن در گنجینه پر بهای آثارش نگهداری میشود. ■

باستان را حایز بود که این امر منجر به تنوع و تعدد مدارک و مأخذها در هر نوشته وی میگردد و بدون تردید بر نفع بودن، مستند بودن و معتبر بودن هر اثر پوهاند حبیبی اهمیت شایانی گذاشته است.

شمار یاد داشت ها و تعلق ها و حواشی و تصحیحات و تراجم و مقالات پوهاند حبیبی زیاد بوده البته در میان کارهای تحقیقی و سعی شادروان حبیبی تصحیح و تحشیه بر تعلق و مقابل چند متن معتبر کلاسیک و نایاب از همه بر حسته تر و مشخصتر اند که نام برخی از آنها بدین قرار میباشد.

۱- تصحیح و مقابله دیوان خوشحال ختک، ۱۳۱۷ ش در کندهار (پشتو).

۲- تصحیح و تحشیه دیوان عبدالقادر ختک ۱۳۱۷ ش، کندهار (پشتو).

۳- تصحیح، تحشیه و مقاسله دیوان لوی احمد شاه بابا، ۱۳۱۹ ش (پشتو).

۴- تصحیح و تحشیه و تعلق و ترجمه پته خزانه که بارها مورد مباحثه و ارزشیابی حاسدین و بد خواهان فرار گرفته و استاد با درایت، حوصله مندی و سربلندی محض از همه آن مؤفق بدر آمده

(۱۳۲۲ ش) و در سالهای ۱۳۴۰-۱۳۵۴ و ۱۳۵۷ بعدتر نیز تجدید چاپ شده است. [دری] این وثیق نادر بعداً به زبانهای روسی، انگلیسی و آلمانی نیز ترجمه شده است.

۵- تصحیح، تحشیه و مقابله طقات ناصری (جلد اول در ۱۳۲۸ در کویته و جلد دوم در ۱۳۳۳ در لاهور چاپ شده و نیز بار دوم با زوایدی، جلد اول در سال ۱۳۴۲ و جلد دوم آن در ۱۳۴۳ در کابل بچاپ رسیده است) (دری).

۶- تصحیح و تحشیه و مقاسله تازه نوای معارک، ۱۳۳۹ ش، چپ کراچی (دری).

۷- تصحیح و تحشیه و مقابله طبقات الصوفیه فرهنگ و ادب، مقام شامخ خود را در کشور حفظ نموده است.

عبارت دیگر استاد حبیبی یکی از بحیث و کیل تجار افغانی در چمن پاکستان، بحیث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤسسه مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش بحیث استاد دیپارتمنت پشتو و دری در پوهنخهی ادبیات پوهنتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارتمنت پشتوی این پوهنخهی، در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحیث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

استاد حبیبی در اثر خدمات والای خود در ساحه معارف و علم مؤفق به دریافت نشان درجه دوم معارف شده و در سال ۱۳۴۴ ش از طرف پوهنتون کابل مفتخر به درج علمی پوهاند گردید که این امر بسدون تردید از سوی تمام استادان و دانشوران پوهنتون کابل با استقبال شایانی مواجه شد.

استاد حبیبی در وقت بزرگ کارمل سمت مشاوریت در قسمت تاریخ در کمیته دولتی کلتور را عهده دار شد؛ ولی برای مدت تقریباً چهارده سال با آلام مریضی قلبی رویاروی بود که بعد از تاریخ شش عقرب ۱۳۶۲ برای مدت تقریباً شش و نیم ماه در بستر واپسین زندگی فرورفت تا اینکه سرور چهارشنبه بیستم ماه ثور ۱۳۶۳ ش بعمر ۷۸ سالگی به جاودانگان پیوست و حازه شان در شهدای صالحین (رح) بخاک سپرده شد.

نکات چند در مورد فعالیت ها و پژوهش های فرهنگی و ادبی علامه حبیبی:

پوهاند عبدالحی حبیبی رادمرد بزرگ دانش و ادب همواره بمثابة ستاره روشنگر راه فرهنگ و ادب، مقام شامخ خود را در کشور حفظ نموده است.

عبارت دیگر استاد حبیبی یکی از ارکان استوار علم و فرهنگ و از مفاخر بزرگ و نامی این سرزمین در روزگار ما بود؛ چه مقام رفیع این بزرگمرد نه تنها در حلقه های علمی کشور ما بلکه در سرتاسر جهان شناخته شده و هم بر آن ارجح میگذازند و به اهمیت آن معترف اند.

استاد حبیبی نستوه مرد پژوهش و جوش بود، تمامی حیات خود را در راه احیای تاریخ و ادب کشور و زنده گرداندن نامهای مفاخر وطن در جستجوهای پیگیر و بسی توقف گذراند. این پوشها و جوشها شمار قابل توجهی از کتب و رسالات و مقالات اند که از وی بر جای مانده و صدها نکته ناگفته و ناشنیده را در باره تاریخ و ادب این سرزمین میتوان از لابلای این بازمانده ها و یاد داشت ها بدست آورد.

ابجادیات مرحوم علامه حبیبی بیشتر در زمینه های تاریخ، ادبیات، زبانشناسی، جغرافیه و شناسایی نام آوران این مرز و بوم است که عمدتاً بزبانهای دری و پشتو و ندرتابه زبانهای اردو و عربی تحریر یافته اند.

استاد حبیبی بعلاوه زبانهای پشتو و دری، تسلط کامل بر زبانهای اردو، عربی و انگلیسی، سانسکریت و احتمالاً یونانی

دانشمند، پیشمند و اندیشمند سترگ ادب و فضل، پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از پیشتازان فرهنگ معاصر کشور مان محسوب میگردد.

پوهاند حبیبی به سال ۱۳۲۸ هجری قمری در شهر تاریخی و حماسه آفرین کندهار دیده به جهان گشود. وی پسر عبدالحق کاکر یکی اعضای دودمان روشن دماغ و آگاه و در عین حال ستیزه جو سیاسی عدالتی و مطلق العنانی، که توانست در سال ۱۳۰۴ شمسی از صنف پنجم فارغ و نظر به استعداد و ذکاوت خاصی که داشت در همان سال بحیث معلم در شهر کندهار تقرر یابد.

استاد حبیبی بلادرنگ آغاز گزینش و قلم فرسایی گردیده و وارد سلسله مقالات سودمند تحقیقی و اشعار در جریده طلوع افغان در کندهار شد.

وی در سال ۱۳۰۶ شمسی بحیث معاون جریده طلوع افغان و از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۹ ش منحبث مدیر مؤسسه همان جریده ایفای وظیفه نموده که این پست را با موفقیت و به گونه ابتکاری مداوم بخشید.

علامه حبیبی در این مدت، مصدر خدمات سترگ ادبی و پژوهشی گردیده است. در این زمان تدریس زبان پشتو برای کارمندان دولت، اداره و نظارت بر استادان آن رسماً بعهد استاد حبیبی بود؛ بخاطر یکه مدیران مسؤل روزنامه ها در ولایات در عین زمان مدیران مطبوعات نیز بودند و اداره کورسهای پشتو یکی از وظایف عمده ایشان محسوب میگردد در جریان همین فعالیت های خلاقانه استاد حبیبی بود که اداره طلوع افغان، آثار مهم تدریسی بزبان پشتو را چاپ نمود مانند:

سپینخلی پینتو (قاموس فارسی- پشتو حاوی ده هزار لغت، با همکاری لعل محمد کاکر، ۱۳۱۸ ش).

پوهاند حبیبی از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۰ مقام ریاست پشتو توله و معاونیت ریاست مستقل مطبوعات را عهده دار بود.

علامه حبیبی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳ بحیث مشاور و وزارت معارف نیز ایفای وظیفه نمود. باید گفت که تا به ۱۳۲۳ در کشور عزیز مان صرف پوهنخهی های طب و حقوق موجود بود که در تشکیل وزارت معارف بودند، ولی در سال ۱۳۲۳ پوهنخهی ادبیات نیز در کنار آن تأسیس یافت که استاد حبیبی بحیث نخستین رییس این پوهنخهی امور تدریسی و اداری آن را عهده دار شد.

باید یاد آور شد که در بنیانگذاری و ایجاد پوهنخهی ادبیات و علوم بشری، پوهاند حبیبی نقش بسزایی داشت؛ از این مدت تا ۱۳۲۵ پوهاند حبیبی بحیث رییس پوهنخهی جدیدالتأسیس ادبیات، رییس پشتو توله و نیز منحبث استاد تاریخ این پوهنخهی ایفای وظیفه نموده است.

پوهاند حبیبی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ بحیث رییس معارف ولایت کندهار تقرر یافت که در خلال همین مدت امورات اداری و تدریسی تمام مکاتب آن ولایت و نیز افتخار استادی مضمون تاریخ لیه های همان شهر را

عاهده دار بود.

مشاغل دیگر استاد حبیبی عبارت اند از: بحیث و کیل تجار افغانی در چمن پاکستان، بحیث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤسسه مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش بحیث استاد دیپارتمنت پشتو و دری در پوهنخهی ادبیات پوهنتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارتمنت پشتوی این پوهنخهی، در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحیث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

استاد حبیبی در اثر خدمات والای خود در ساحه معارف و علم مؤفق به دریافت نشان درجه دوم معارف شده و در سال ۱۳۴۴ ش از طرف پوهنتون کابل مفتخر به درج علمی پوهاند گردید که این امر بسدون تردید از سوی تمام استادان و دانشوران پوهنتون کابل با استقبال شایانی مواجه شد.

استاد حبیبی در وقت بزرگ کارمل سمت مشاوریت در قسمت تاریخ در کمیته دولتی کلتور را عهده دار شد؛ ولی برای مدت تقریباً چهارده سال با آلام مریضی قلبی رویاروی بود که بعد از تاریخ شش عقرب ۱۳۶۲ برای مدت تقریباً شش و نیم ماه در بستر واپسین زندگی فرورفت تا اینکه سرور چهارشنبه بیستم ماه ثور ۱۳۶۳ ش بعمر ۷۸ سالگی به جاودانگان پیوست و حازه شان در شهدای صالحین (رح) بخاک سپرده شد.

نکات چند در مورد فعالیت ها و پژوهش های فرهنگی و ادبی علامه حبیبی:

پوهاند عبدالحی حبیبی رادمرد بزرگ دانش و ادب همواره بمثابة ستاره روشنگر راه فرهنگ و ادب، مقام شامخ خود را در کشور حفظ نموده است.

عبارت دیگر استاد حبیبی یکی از ارکان استوار علم و فرهنگ و از مفاخر بزرگ و نامی این سرزمین در روزگار ما بود؛ چه مقام رفیع این بزرگمرد نه تنها در حلقه های علمی کشور ما بلکه در سرتاسر جهان شناخته شده و هم بر آن ارجح میگذازند و به اهمیت آن معترف اند.

استاد حبیبی نستوه مرد پژوهش و جوش بود، تمامی حیات خود را در راه احیای تاریخ و ادب کشور و زنده گرداندن نامهای مفاخر وطن در جستجوهای پیگیر و بسی توقف گذراند. این پوشها و جوشها شمار قابل توجهی از کتب و رسالات و مقالات اند که از وی بر جای مانده و صدها نکته ناگفته و ناشنیده را در باره تاریخ و ادب این سرزمین میتوان از لابلای این بازمانده ها و یاد داشت ها بدست آورد.

ابجادیات مرحوم علامه حبیبی بیشتر در زمینه های تاریخ، ادبیات، زبانشناسی، جغرافیه و شناسایی نام آوران این مرز و بوم است که عمدتاً بزبانهای دری و پشتو و ندرتابه زبانهای اردو و عربی تحریر یافته اند.

استاد حبیبی بعلاوه زبانهای پشتو و دری، تسلط کامل بر زبانهای اردو، عربی و انگلیسی، سانسکریت و احتمالاً یونانی

دانشمند، پیشمند و اندیشمند سترگ ادب و فضل، پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از پیشتازان فرهنگ معاصر کشور مان محسوب میگردد.

پوهاند حبیبی به سال ۱۳۲۸ هجری قمری در شهر تاریخی و حماسه آفرین کندهار دیده به جهان گشود. وی پسر عبدالحق کاکر یکی اعضای دودمان روشن دماغ و آگاه و در عین حال ستیزه جو سیاسی عدالتی و مطلق العنانی، که توانست در سال ۱۳۰۴ شمسی از صنف پنجم فارغ و نظر به استعداد و ذکاوت خاصی که داشت در همان سال بحیث معلم در شهر کندهار تقرر یابد.

استاد حبیبی بلادرنگ آغاز گزینش و قلم فرسایی گردیده و وارد سلسله مقالات سودمند تحقیقی و اشعار در جریده طلوع افغان در کندهار شد.

وی در سال ۱۳۰۶ شمسی بحیث معاون جریده طلوع افغان و از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۹ ش منحبث مدیر مؤسسه همان جریده ایفای وظیفه نموده که این پست را با موفقیت و به گونه ابتکاری مداوم بخشید.

علامه حبیبی در این مدت، مصدر خدمات سترگ ادبی و پژوهشی گردیده است. در این زمان تدریس زبان پشتو برای کارمندان دولت، اداره و نظارت بر استادان آن رسماً بعهد استاد حبیبی بود؛ بخاطر یکه مدیران مسؤل روزنامه ها در ولایات در عین زمان مدیران مطبوعات نیز بودند و اداره کورسهای پشتو یکی از وظایف عمده ایشان محسوب میگردد در جریان همین فعالیت های خلاقانه استاد حبیبی بود که اداره طلوع افغان، آثار مهم تدریسی بزبان پشتو را چاپ نمود مانند:

سپینخلی پینتو (قاموس فارسی- پشتو حاوی ده هزار لغت، با همکاری لعل محمد کاکر، ۱۳۱۸ ش).

پوهاند حبیبی از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۰ مقام ریاست پشتو توله و معاونیت ریاست مستقل مطبوعات را عهده دار بود.

علامه حبیبی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳ بحیث مشاور و وزارت معارف نیز ایفای وظیفه نمود. باید گفت که تا به ۱۳۲۳ در کشور عزیز مان صرف پوهنخهی های طب و حقوق موجود بود که در تشکیل وزارت معارف بودند، ولی در سال ۱۳۲۳ پوهنخهی ادبیات نیز در کنار آن تأسیس یافت که استاد حبیبی بحیث نخستین رییس این پوهنخهی امور تدریسی و اداری آن را عهده دار شد.

دخوشحال په شرکي د اورنگ زيب څيره

د هندي گورگانسانو په پاچهانو کي اورنگ زيب يو مستبد، محيل، متعصب او بي تقوا حکمران تير شوي دي دخپلي پاچهي په ډيره اوږده دوره کي يعني نژدي پنځوس کاله کي بي د هندوستان ټول اولسونه په کم اور او استل ټوڅکه دا دوره توره تياره توصيف شوي ده او د اورنگ زيب په دم کي د هندوستان دهغه وخت معروفو او ولسي شاعرانو ډير څه ويلي دي.

د دغي جملې څخه د سنگال يو شاعر موکاندرام جکرورتي د مغولي دربار د استبداد پر ضد په خپل يوه شعر کي وايي:

زموږ سپين سبا ددوي له ظلم څخه په نور ماينام بدل شويدې خو ژر به دا وينکو بارانونه په يوه هوشاک توفان بدل شي او ددوي پيري پکښي غرقه شي.

د اورنگ زيب په امپراطوري کي خوشحال خان خټک بل هغه يوازني شاعر دي چي په خپلو اشعارو کي يي د اورنگ زيب انځور ډير روښانه ايستلي او دهغه څخه يي د يوه لوي اولس په نماينده گي خپل نفرت څرگند کړي دي.

د اورنگ زيب دشاجهان دريم زوي و چي د يوي ژوري توطي په عملي کولو يي پلار له تخته وغورځاوه، زندان ته يي واستاوه د سرورور دارانکو سر يي ريکيل کړ او ددوي سرورور سرستون سجاج ورڅخه استبد او خپله ورک شوځيني وايي چي دارکان په غرو کي يي زمريانو گي ده ورځيري کړه، کشرورور مراد بخش يي لومړي بندي بيا په زندان کي وواژه، او بالاخره يي اوه کاله پلار په زندان کي وساته خو چي د مرگ غي ډي ته وسپاره.

دغه لويه فاجعه چي په جريان کي وه زمونږ ستر او جنگيالي شاعر دهغي صحنې د سر په سترگو ليدلي او ده پخپله دوه نيم کاله د دغه مستبد او هولناک امپراطور د دهلي او جيبور درنته پور په زندان کي تير کړي وه، خو کله چي ازاد شونو د پښتو نڅوا غروته په رارسيدو يي د مستبد دربار پر ضد قيامونه پيل کړل او داسي جگړي يي ورسره وکړي په يوه جگړه کي يي په زرگونه پيلان، اسان او ډير سره او سپين زر په ولجه يووړل، په زرگونه پادشاهي سپاهيان يي بنديان او داميرانو د کورني بنځي يي غروته وځيرولي.

خوشحال خان د اورنگ زيب محبيلانه شخصيت داسي انځوروي:

ددې دور شيخان ډير دي لور په لور اورنگ زيب بادشاه دوارو دي انځور په هغه چاره قلم ساز کاقران کښي په هغه چاره شارک پري کا دورور ددغه حيله گر بادشاه په دور کي دده دفتو له لاسه ټولنه هم له يوه مخه دريا کاري په توفان کي لاهو شوه او خوشحال خان هغه داسي انځوروي:

وقت د اورنگ شاه دي دهرچا تسبيح په لاس دي خداي ځيني خبر دي په اخلاص که په لباس دي نازمي او اضطرابات د استبداد څخه رازيري او خوشحال خان ددغي ټولني انځور داسي ترسيموي:

د اورنگ بادشاه په دور ارام نشته چاويل چي جهان ځاي دارامگاه دي په همدغه وخت کي د هند په جنوب او ختيځو برخو کي دانگليس دځيني کمپني او پرتگال ترمنځ د استعمار په جال کي دهند دراکيټلو رقابتونه اوسيايي رواني وي او دربار ډير ډيو په وخت کي و، ددي په اړخ کي فرانسوي استعمار طلبانو د اورنگ زيب تر درباره لاسونه غزولي وه او د دربار سا نفوذه شخصيتونو يي په سوغاتونو او رشوتونو رانيول.

خوشحال خان د اصحنه په يوه بيت کي داسي انځوروي:

په دوران ددي بادشاه هوشيار هغه دي چي وطن کا په فرنگ په پرتگال اورنگ زيب لکه يوه بلاد داسي نازل شوي و او دخپل استبداد د جال خپولو په وړاندي هر څه له منځه وړل خوشحال خان وايي:

څه يوازي په مانه ده که ژوندي وي اورنگ شاه به داسي ډير کاندې پايمال چي په پلار باندې يي نه ده صرفه کړي به نور چايي څخه څه يي اشکال خوشحال خان او ملگرو يي د اورنگ زيب پر ضد پخپله دشپرو ډيرو لوسو جگړو قومانداني پر عهده درلوده چي دهغو يادونه داسي کوي:

اول جنگ دلوري شاد تهتري وه چي څلويښت زره مغل شوي تاريخه تاريخه خویندي لوري يي په بند د پښتنو شوي اس اوبنان هاتيان الجبه قطار قطار دوهم جنگ پر حسيني په دوايه کي چي يي وټکيده سر لکه دمار بيا له پسه دنوشهر دکوټ جنگ وه چي مي وکښ تر مغلو خپل خار

بيا له پسه جسوت سينگ شجاعت خان و د چي ايمل يي په گنډاب ويوست دمار شپږم جنگ مکرم خان شمشير خان دواړه چي ايمل کړل په خاپښ کي تاريخه تاريخه چي څماپه ياد وي لوي جنگونه دادي دهلکويه هر لوري نشته شمار هميشه فتح ونصرت دي لاتراوسه پس له داده بياتکيه به گردگار اورنگ زيب راته يو کال وشو چي پروت دي به صورت حيران پریشان په زړه افکار اورنگ زيب دريا کاري يوه مجسمه وه، خپل استبداد ته يي د اسلام رنگ ورکاوه ولي په حقيقت کي هغه د مختلفو فرقو ترمنځ تفرقه اچوله او په ماکیا ولسي طريقه يي دخپل استبداد عمر او ساحه پراخوله، دده په وړاندي په هندوستان کي سيکانو، مراتيانو، بنگاليانو او نورو سرونه راپورته کړل، خوده سخت وټکول، ولي دخوشحال خان او پښتنو څخه ډير سخت نفرت کاوه لکه خوشحال خان چي وايي:

چي په نام پښتون غورځيري پري خوشيږي اورنگ زيب هسي بادشاه دي داسلام اورنگ زيب کلونه ټلونه د پښتنو سره په تاوده ډگرکي ککره جنگوله خوا بيري يي په نصيب نشو په پای کي يي د پښتنو دکمزوري رگ پيدا کړ او پيسي يي ورته وړاندې کړي او پدي توگه يي ددوي ملاورماته کړه خوشحال خان وايي:

خزاني دهندوستان اخوري شوي سره مهراڼ دي ننوري په کوهسار د حيرانتيا ځاي خود ادي چي د اورنگ زيب روږد خوشحال خان زوي بهرام خان هم له لاري ويوست او د پلار پر ضد يي راولاړ کړ خوشحال خان ددغه منحرف اوبې غيرته زوي په باب وايي:

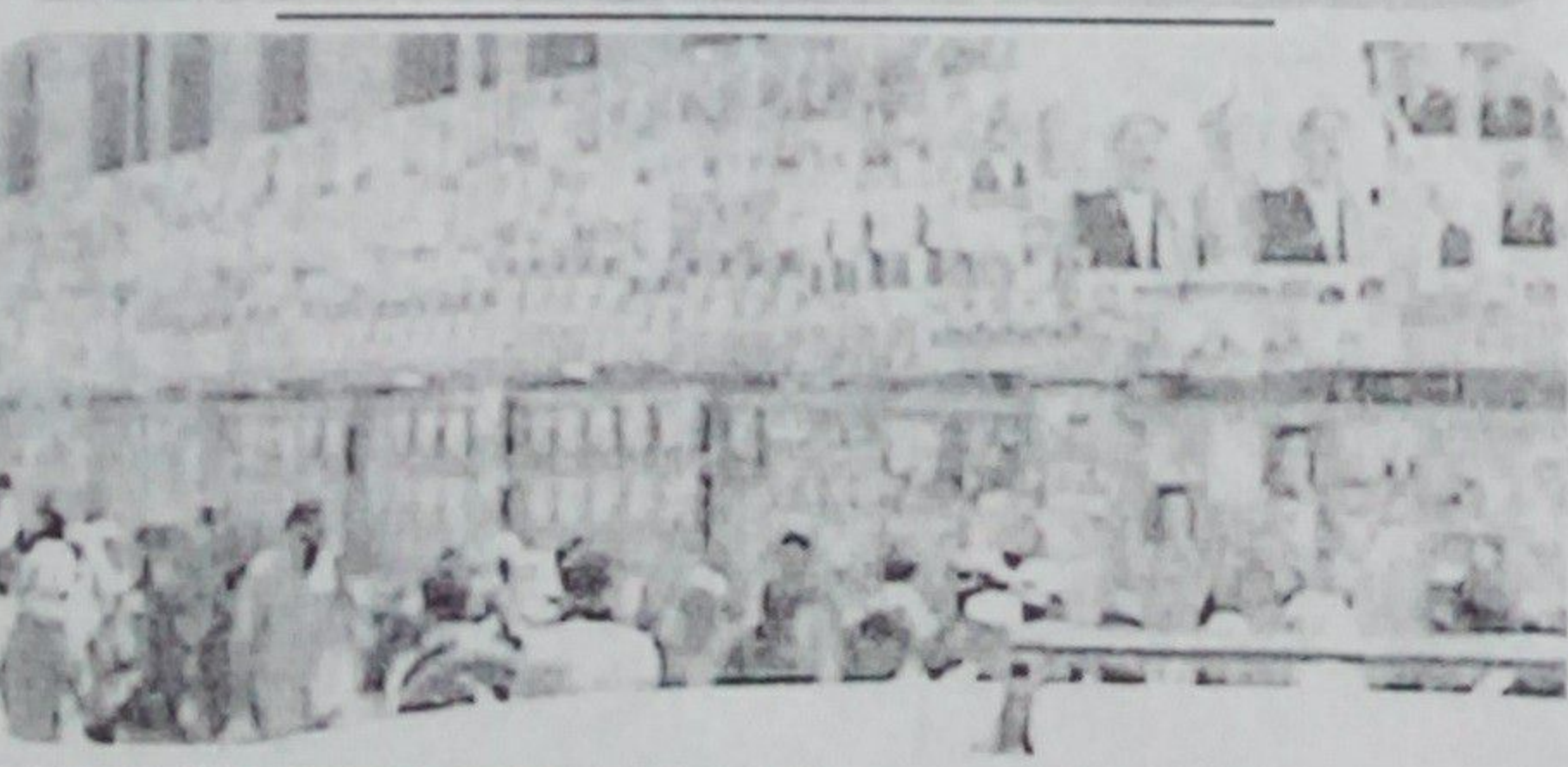
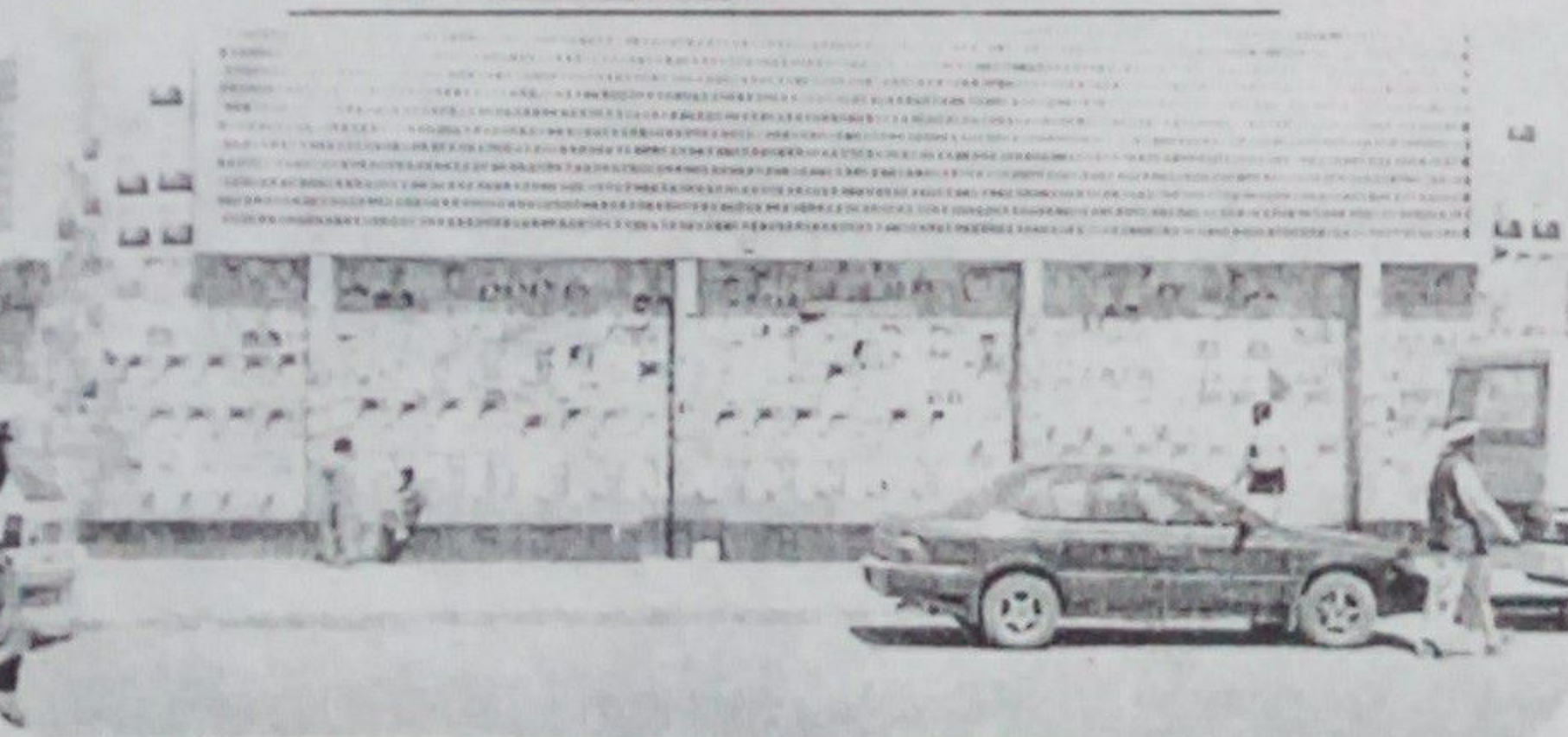
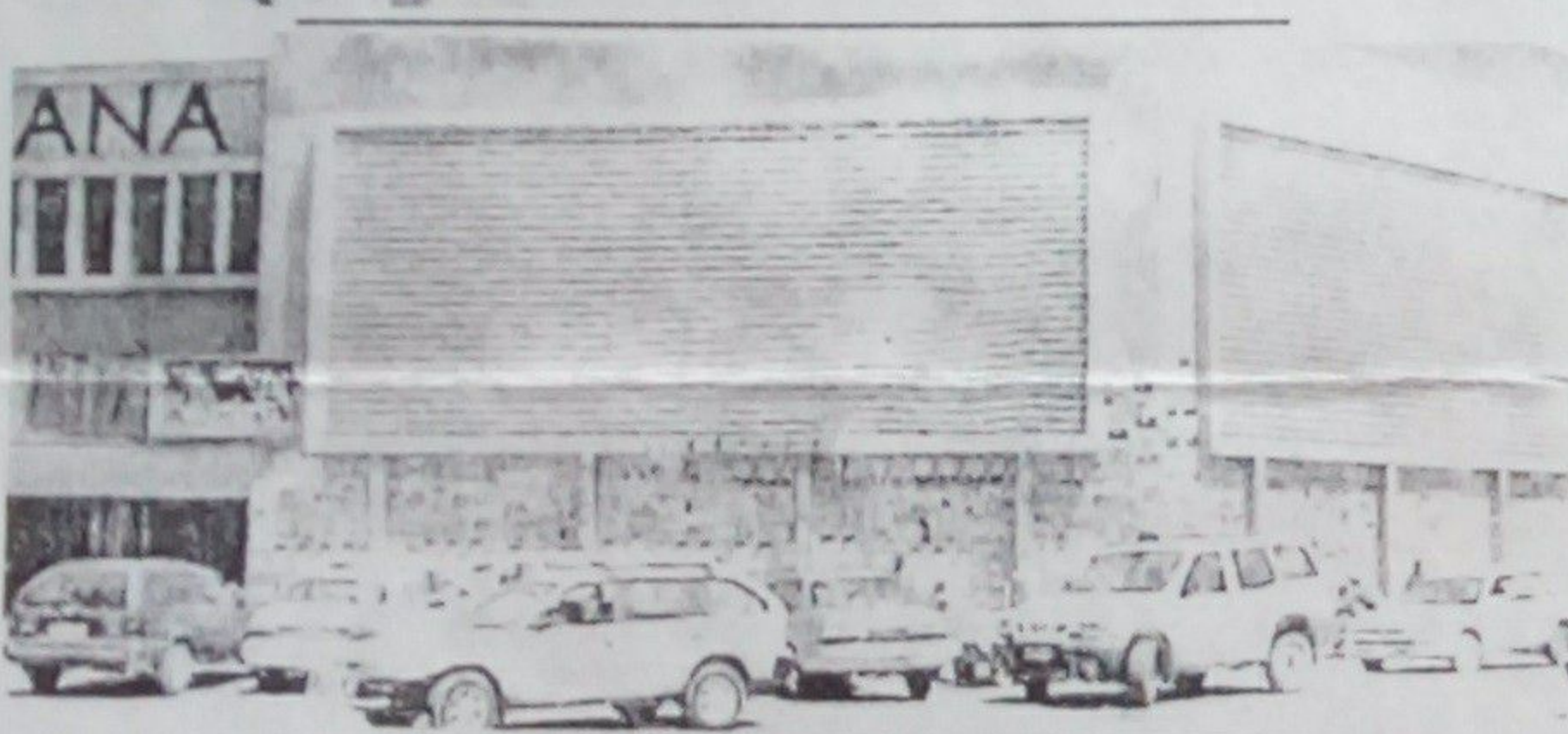
څوک بهرام غوندي منحوس بد بخت بخيل شي

په شامت يي خپل خانه شي تاريخه تاريخه منافق ليم مردود د زمانې شي په خپل پلار سره اغز کاندې کارزار بهرام خان چي په ملبوري د اورنگ زيب طلاوي ترلي وي دخل پلار پر ضد قيام پيل کړ، خو خوشحال خان يي په جگړه کي مات کړ او هغه دتوري او قلم پلار ددغه نا اهله زوي له لاسه نروته وخوت او هلته په ۱۶۸۹ کال مړ شو.

خوشحال خان او اورنگ زيب نن نشته خو ددوي دواړو ځيري تاريخه تاريخه پر پانوسو کي ترسيم شوي دي چي د انصاف په تله پريوه بايد رحمت او پرېالفت وويل شي ځکه پوه اولسونه په ريا کړي تر استبداد لاندې ساتل او بل دهغه د استبداد پر ضد توره را پورته کړي وه. ■

هنکامه انتخابات، در و دیوار های برکنار مانده

از انبوه کثافات شهر کابل را نیز آلوده نموده است.



گرفته و مردم مان را سه بهانه، دین اردانش و علم محروم مینماید ولی در چند کیلومتری خانه اش در پاکستان از وجود روسی خانه ها و دب گری ها (لواطخانه ها) که برسان در آن کار مینماید، شراب فروشی ها، نمایش قلمهای سکس در سینما های پاکستان و فساد هنرمندان زن و مرد پاکستانی در لالیود و یا شهرک سینمایی پاکستان، خیر نمیشوند؛ که چگونه نیز دختران سینمای پاکستان برای رقص به لندن و فرانسه میروند. و به نماینده گي از کشورشان میرقصند. ولی همین طالب هزاران کیلومتر دورتر به افغانستان برای اسلام خواهی می آید، در کشوری که در زمان حضور روسها نیز کسی جرئت نداشت علنی شراب فروخته، فساد خانه درست نماید. تلویزیون دولتی در آلمان با تمام قوای روسی، آرمان ترویج فساد اخلاقی

به مانند سایر کشورهای غیر اسلامی را از طریق نشر برنامه های مبتدل، به گور برد. فساد خانه های آلمان نیز خیلی پنهان بوده و تنها مکان های بسوند برای دستگاه استخباراتی خادیت ها.

ولی این مسائل در جمهوری اسلامی پاکستان آزاد و علنی است.

سایر شرمند صدها نمونه میتوان دریافت که چطور پاکستان از ثبات در افغانستان هراس دارد و چگونه دین مداران فریکار و فریخورده گان شان میتواند از ثبات در افغانستان راضی باشند؟ در پاکستان همه مسائل از سوی دستگاه حکومتی پنهانی اداره میشود. کسی مجالی برای فعالیت دلخواه ندارد جز آنکه حکومت پاکستان بخواهد. رابطه ما با پاکستان نیاز به تجدید نظر جدی دارد. ■

روابط با پاکستان

منابع طبیعی ما که چیزی بیشتر از آنها، و بازار های ما که در مقابل نفوس آن کشور و در برابر بازار های داخلی آن ناچیز است، اهمیتی نمیدهد.

تنها مشغله آنان ثبات ماست. این کشور چنانچه بارها گفته ام با تعقیب روش های استعماری، کمپنی هند شرقی در راهی قرار گرفته است که پیامد آن برای این کشور جز تجزیه، نمیتواند چیز دیگری باشد و برای حل آن نیز تنها با اشتراک سایر اقوام ساکن در این کشور آنهم به صورت واقعی در قدرت و تامین منابع حقیقی آنان از تجزیه اش جلوگیری کرده میتواند و پس، در صورتی که چنین جوی بوجود نیاید و

پاکستانی ها نیز میلی به آن دارند پس چرا افغانستان را با ثبات آن از دست بدهند رای اینکار در کنار کالا های تجارنی، طالب، القانده و هجران های خود را نیز صادر میکنند، چیزی که اگر افغانستان ثبات شود و جلو آن گرفته شود، پاکستان را منحصر خواهد کرد. برای دور نمودن ذهنیت های سایر اقوام محروم پاکستان از مشکلات داخلی آنان، سه سر آنان را در جاهای دیگری گرم کرد.

ببینید یک طالب پاکستانی برای مبارزه با کفر و بدعت هزاران کیلومتر دور تر از وطنش به افغانستان آمده و با هندستی طالبان افغانی آموزش با توان و دختران را

پاکستان که برای من تنها از مدرک پشتونها و بلوچها قبایل درک مینماید به یکی از بدترین چالش های آبادانی، اقتصادی و امنیتی مان مبدل شده است.

حکومت داران ما همیشه اذعان میدارند که ثبات در افغانستان به نفع پاکستان است ولی هر گز در بی دلیل منطقی این صحبت های خود تیر آمده اند. پاکستان هر گز به ثبات افغانستان علاقه نداشته و اگر هم چیزی بیان کرده، تبلیغاتی بوده است.

ثبات افغانستان برای پاکستان حکم زهر را دارد. بسیاری فکر میکنند که بازار های افغانستان و یا منابع طبیعی آن در صورت آرامش، پاکستان را کمک میکند تا وضعیت خود را بهتر بسازد. تجربه عملاً ثابت ساخته، پاکستان در کنار استفاده از این عنصر ها، بیشتر از بحران در افغانستان استفاده میکند. پاکستان بسیار به

پاکستان به بهانه مبارزه علیه تروریزم...



آی اس آی طالبان را خطر بزرگ ندانسته و گفته است، که پاکستان قصد مبارزه با آن‌ده از طالبان را دارد، که از آنها برای پاکستان خطر احساس میکند و در مقابل طالبانی که برای افغانستان و هند مشکل ایجاد میکنند، بی تفاوت است.

نور الحق علومی، کارشناس مسایل نظامی در رابطه به این موضوع به آژانس ساختر گفته، تاکید آی اس آی بر مذاکره با طالبان میرساند، که آن اداره ایجاد گر، تسلیح کننده و سوق دهنده طالبان است.

علومی میگوید، چنین تاکیدات استخبارات پاکستان نباید دور از توقع باشد، زیرا آی اس آی در موجودیت طالبان مفاد خود و حکومت پاکستان را می یابد. چنانکه تا کنون تحت نام مبارزه علیه همین گروه میلیونها دلار و وسایل نظامی را حاصل کرده و میکوشد، که این پروسه تا دراز مدت ادامه یابد.

علومی اظهار داشت که احساس خطر استخبارات پاکستان از عملیات هلمند بی مورد و دور از حقیقت است، زیرا این عملیات برای سرکوبی طالبان نه، بلکه بخاطر فرصت دهی برای طالبان است، تا آنها بتوانند به سمت شمال افغانستان بروند، چنانکه در روزهای اخیر شاهد حوادث در آن مناطق بودیم.

نور الحق علومی با تائید نظریات مسوولین اداره او با اظهار میدارد که پاکستان از طرف آنده حاکمان است، که خاص آنها را

پاکستان موجود بود و بلوچها تاکید بر استفاده از نفت و گاز بلوچستان، در بلوچستان دارند، نه در پنجاب و سایر نقاط آن کشور.

وی گفت، قبلاً پاکستان به امریکا تعهد سپرده بود، که با آغاز عملیات در هلمند عساکر خود را غرض جلوگیری از نفوذ طالبان در بلوچستان، در سرحدات جابه جا میکند، اما اکنون مشکل مالی میان دو کشور مذکور ایجاد شده، پاکستان در این مساله صادق نموده و میخواهد با استفاده از این گونه نیرنگها کمک بیشتر مالی حاصل نماید. و حید مزده عملیات هلمند را موفق ندانسته و خلاف نظر برخی کارشناسان، نا آرامی های شمال افغانستان را با این عملیات مرتبط نمیداند.

وی میگوید که طالبان ماه ها قبل با نشر اعلامیه ها از راه اندازی فعالیتهای نظامی در شمال افغانستان در سال روان خبر داده بودند و حتی یک تعداد افراد خود را منحیث مسوول در بعضی ساحات شمال معرفی نموده بودند. و حید مزده اضافه کرده میگوید:

افغانها از قبل این موضوع را میدانستند و اظهار میکردند، که مورد توجه جهانیان قرار نمیگرفت، اما اکنون همه پی برده اند، که کلید مشکلات در کجاست و پاکستان نباید برف بام خود را بالای بام دیگران بیاندازد و همچنان جامعه جهانی و امریکا بجای مدارا با آن کشور فشار بیشتر را وارد سازند، تا صادقانه در مبارزه علیه تروریزم گام بردارد. ■

اس آی را بر مذاکره با طالبان از زاویه دیگر نگریسته بر علاوه که آنرا بی اساس میداند میگوید، بدون شک هلمند در نزدیکی بلوچستان قرار دارد و سالهای قبل، افغانها و مجاهدین به بلوچستان رفت و آمد داشتند و

کمپ های مهاجرین در آنجا بود، اما این به آن منتهی نیست، که با آغاز عملیات در هلمند، طالبان به بلوچستان میروند.

مزده میگوید، قبلاً از عملیات هلمند و حتی از سالها قبل مشکل میان بلوچها و حکومت

بخاطر افغانستان تربیه و آموزش نموده احساس خطر نداشته و خواهان مذاکره است، اما با آنده که در ضدیت با حکومت پاکستان قرار دارد، میخواهد مبارزه کند.

و حید مزده کارشناس سیاسی افغان، تاکید آی

شرکت مخابراتی روشن با برنامه...

شرکت مخابراتی روشن دعوی را در لوی خرنوالی و همین گونه در اداره (اترا) وزارت مخابرات و تکنالوجی معلوماتی به راه انداخته ایم که دوسیه نسبتی ما علیه شرکت روشن در اداره اترا در حال جریان است.

بعید از امکان نیست که شرکت مخابراتی روشن به محکمه بین المللی به خاطر تقلب کاری ها و فریب کاری هایش معرفی گردد و این شرکت لغو گردد. ■

شرکت روشن و برنامه های آن بود. متأسفانه که این برنامه کاملاً دروغ بوده و برای فریب مردم و مشتریان روشن و اختلاس پول مردم به شکل غیر مستقیم، ارائه شده بود.

باید تذکار داد که چون تعداد کثیری از مشتریان روشن از این طریق فریب خورده اند، ما به خاطر اعاده حقوق تلف شده کسانی که فریب خورده اند و هم اعاده حقوق ضایع شده خود ما، بالای مسوولان

توضیح مطلب این است که، شرکت مخابراتی روشن به ماسبت سال نو مسابقه ذهنی را زیر نام نوروز را با روشن تجلیل کنید و برنده کربلا شوید، راه اندازی نمود.

این مسابقه طوری بود که مشتری به جواب سوال های که در برنامه روشن اشتراک میکرد جواب ارائه میداد، البته این سوال ها راجع به مسایل ادبی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیا و معلومات راجع به

سال ۱۳۷۹ ترک کرد و از طریق کشور پاکستان به کشور انگلستان در سال ۲۰۰۲ رفته و آنجا پناهنده شده است که یک پای آن نیز معیوب میباشد. از همان زمان تا کنون در خانه های کرابی با سیار مشکلات حیات به سر

مشکلات اجتماعی مردم

اینجاب ثریا، خاتم غلام بحیی قادری هستم. شوهرم در زمان طالبان که در دواخانه کار می کرد از طرف طالبان مورد شکنجه قرار گرفت و ناگزیر کشور را در

آرزو های مردم بدون شک...



میگردند، از همه کس اعتماد شان را بریده اند. از زبان هر هموطن به استثنای اشخاص، افراد و دوستان شخصی کاندیداها گفته میشود، اگر من رأی بدهم و یانه، کسی درین پست انتخاب و یا تعیین خواهد شد.

با در نظر داشت تذکار فوق که گفته آمدیم انتظار می رود تا مردم اگر بتوانند شخصیت های محترمی که خود ها را کاندیدای پست ریاست جمهوری نموده اند، با اعتماد سازی مجدد مردم را در روند مسوولیت پذیری برای اشتراک در انتخاب رئیس جمهور آینده ترغیب نمایند، تا از بی تفاوتی و دل سردی موجود که هر کدام (بسه من چی بگویند) کاسته شود. ثانیاً ایجاب مینماید، تا لقمه نانی که از کمک های خارجی و یا عواید داخلی بدست می آید، عادلانه توزیع نمایند، تا دیگر مردم رهبران سیاسی شان را به دیده شک و تردید ننگرند. ■

شک شریفانه و معقول است، پایه پای مردم حرکت کرده در برطرف ساختن مشکلات مردم یکی بی دیگر اقدام لازم نماید، هیچگاهی چنین نشده است.

این بار هم تعدادی از شخصیت ها بار دیگر روی بازار سیاست چنه میزنند و مردم را تشویق و ترغیب می نمایند، تا هنگام رأی دهی، رأی شان را به نفع آنان بریزند.

با توجه به سالهای پیشین که هیچکس، هیچ نظام و هیچ حکومت به خواست های معقول شان پاسخ مثبت نداده است، همه افراد و اشخاص ارکان ثلاثه در امتیاز گیری مقام اول و در خدمت گزاری در صف اخیر و حتی ناکام بوده اند. بعید به نظر میرسد تا مردم با شور و شعفی که در گذشته ها در کارزار سیاسی سهم می گرفتند، این بار هم مکلفیت و مسوولیت خویش را ادا نمایند.

مردم به همه کس به دیده شک و تردید

QALAM

صاحب امتیاز: انجمن شاعران و نویسندگان افغانستان

رئیس انجمن: حیات الله «بخشی» ۰۷۹۹۳۱۳۸۲

مدیر مسوول: مصطفی «عمرزی» ۰۷۹۹۸۸۴۲۶۵ mustafa_omarzai@yahoo.com

- زیر نظر گروه دبیران به چاپ میرسد.
- آراء و اندیشه ها به نویسنده مطلب تعلق دارد.
- مسوولیت نوشته ها به دوش نویسنده است.
- قلم در ویرایش مطالب دست باز دارد.
- مضامین وارده دوباره مترد نمی گردد.
- قلم از قلم به دست دعوت به همکاری مینماید.
- بهای یک شماره: پنج افغانی
- دیزاین و چاپ: مطبعه طباعتی و صنعتی محسنی ۰۷۰۰ ۶۷۳۳۴

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**